

با تسنیم به این نکته اشاره کرد: امروز موفق شدم فیلم حضرت موسی(ع) را ببینم. خدا را شکر این فیلم علی‌رغم مشکلاتی که پیش‌آمد ساخته شد. فیلم بسیار سینمایی و جذاب ساخته شده است. بوی همچنین درباره تغییر در فیلمنامه تأکید کرد: فیلمنامه تغییراتی کرده اما خط اصلی آن حفظ شده است.

فیلم «موسی کلیم الله» بعد از اکران در چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر حالا چند روزی است در اکران عمومی قرار دارد.

جمال شوره که قرار بود سریال «حضرت موسی (ع)» را بسازد اما دچار مشکل از ناحیه مغزی شد، حالا به تماشای این فیلم ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا ننشسته است. او پس از تماشای این فیلم در گفت‌وگویی

---

«چشم‌دومی» اولین فیلم بلند ابراهیم امینی است که پیش‌تر بیشتر به نویسندگی مشغول بوده است. این فیلم با روایت کلاسیک خود به نسل Z می‌پردازد و با زائر درامش، مخاطب را به خوبی با خود همراه می‌کند. دادستان درباره دختری از نسل Z است که خانواده‌اش را به شدت به زحمت انداخته. این وضعیت به حدی رسیده که از شکاف نسلی فراتر رفته و عشق او به موسیقی کره‌ای (کی‌پاپ) و خوانندگانش، پدر و مادرهای بی‌پایانی برای خودش و اطرافیانش به وجود می‌آورد.

ابراهیم امینی، نویسنده نام‌آشنایی برای اهالی هنر است و از انتصابات محمدحسین مهدویان و نوع نگاه خاصی که بوجود آورده آمده است. او نویسنده بسیاری از فیلم‌های مهم از جمله ماجراهای نیمروز، لاتارای و موقعیت مهدی است و فیلم‌هایی که نوشته جزو آثار فوق مهم دوران جدید سینماست. امینی به‌تازگی نمایشی از کارگردانی می‌کند به نام «تور» که چیزی فراتر از نمایش است و مخاطبش را به چالش می‌کشد. آثار او علاقه‌مند به ساخت چالش‌های متعدد و نگاه جدید به موضوعات مختلف است. به جز کارگردان، حضور سارہ بیات در یک نقش درخرو از استفاده از بازیگران نوجوان نکات مهم و پرنک چشم‌بادومی است که وقتی اثر را ببینید حسابی متوجه عمق آن می‌شوید.

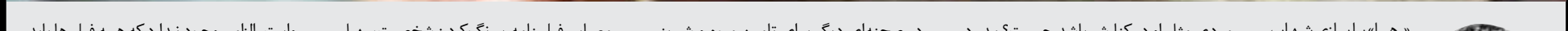
در چشم بادومی ما با داستانی چفت‌وبست‌دار روبه‌رو می‌شویم که حضور عناصری مثل تصاویر و برش‌هایی از موسیقی کره‌ای و فیلم‌های آمریکایی حسابی چشم‌های‌مان را گرد می‌کند در حدی که ناخودآگاه لیخندی لب‌لب‌مان می‌شیند که بالاخره یک اثر در حد و اندازه فیلم خارجی را در بخش تصویر می‌بینیم و زرق‌وبرق‌های عمیق فیلم حال‌مان را خوب می‌کند.

فیلمنامه فیلم بسیار موشکافانه طراحی و نوشته شده، در حدی که مخاطب از ابتدا وارد فیلم می‌شود، اما اگر در اوایل فیلم هم نتوانید همراه داستان شوید آن قدر قلاب طی فیلم وجود دارد که دیگر چاره‌ای جز همراهی ندارید.

داستان شکاف نسل‌ها موضوعی کلیشه‌ای به نظر می‌رسد اما این نوع نگاه بسیار جالب توجه است؛ زیرا فیلمساز سراغ توصیه‌های اخلاقی نمی‌رود و گوش به نسل Z می‌دهد، آن‌ها را می‌شناسد و قضاوت‌شان نمی‌کند، با همراهی آنان تنها مسیر را نشان‌مان می‌دهد که این نسل جوان چقدر با نسل‌های قبل خود متفاوت است. اگر بخواهیم بگوییم تیم تولید کار تا چه اندازه در این امر موفق بوده است، باید بگوییم شاید با یک اثر موفق روبه‌رو هستیم، در حدی که کمبود شناخت کافی از شخصیت‌های غیراصلی و نداشتن سرانجام‌ها ما را با فیلم مدرن طرف نمی‌کند؛ زیرا فیلم راهش را می‌رود و نقطه خود را در انتها می‌گذارد.

فیلم جزو پنج اثر باکیفیت جشنواره فجر بود که با نبرده شدن سیمرغ حمایتی خانه سینما بودجه ساخت فیلم بعدی فیلمساز نیز مهیاست که ما را برای دیدن یک فیلم خوب دیگر مثل چشم بادومی مشتاق‌تر می‌کند، فیلمی که نوک نمی‌زند، قضاوت نمی‌کند، همراه می‌شود و درک جدیدی به مخاطب می‌دهد. جوانانی که شاید به‌خاطر کمبود شناخت نتوانیم باب آنها ارتباط با بگیریم را می‌دهد. آیا دوباره به دیدن چشم بادومی خواهیم نشست؟ با کاملاً میل همچنان علاقه به گرد شدن چشمانم در سینما دارم.

**البته بدون حضور کودکان، مایه همدلی خواهد بود**



روایت، الزامی وجود ندارد که همه فیلم‌ها باید پدری قوی را به تصویر بکشند. توحید می‌تواند یکی از ما باشد. البته شباهت بازی حسینی در نقش «توحید در فیلم‌ها» در «ضاد فیلم حوض نقاشی»، در صحنه‌هایی که فشار عصبی بالایی دارد، با سعی در پردازش شخصیتی پیچیده با بازی‌های متفاوت کلامی در سکانس‌های مختلف فیلم، می‌تواند دلیل برداشت اشتباه در چندپارگی بازی یا نادیده‌شدن قدرت بازیگر بوده باشد. می‌توان این طوری بیان کرد که بازی درخشان شهاب حسینی در «حوض نقاشی» به دلیل شباهت تیک‌های تنشی و زبان بدن در این دو نقش، گناه‌ای بازیگر نبوده است. باید قبول کرد بعد از فتح اورست (رضا در حوض نقاشی)، صود به قله‌های دیگر (توحید در رها) آنچنان که باید و شاید چشمگیر نخواهد بود. نه‌تنش شدن لذت و پیاورداری طمع دلبسب امکان تجربه‌ای دیگر با همان سطح از لذت را کم‌رنگ خواهد کرد. در تاریخ سینمای ایران و حتی جهان فیلم‌ها خوب کمی نبوده‌اند که در

معمایی فیلمنامه، بزرگ کردن شخصیت سهیل از ابتدای فیلم می‌توانست خطای بزرگی باشد، چرا که غافلگیری ممکن را از سیر داستان خواهد گرفت. نکته بعدی فیلم سهیلنامی اول فرهمند، در شیوه پایان بندی «است. هاست». این است که چندی مرتبه مخاطب را با پایان های احتمالی مواجه می‌کند. یک بار وقتی گره گم شدن راه به سرانجام می‌رسد و صحنه درختان بهت و ویرانی شهاب دریا، پدید می‌شود. بار دیگر وقتی توحید و حبیبی و مادر دل شکسته فیلم، کنار بزرگراه نشسته‌اند و از سرانجام ممکن چندی سیهل آرامش خاطر می‌یابند و یا آنچاکه

تصمیم نهایی را به سهیل واکذار می‌کنند. اما می‌بینیم نویسنده و کارگردان ترجیح داده‌اند پایان فیلم را قربانی‌ای ممکن از شروع فیلم، طراحی کنند. برخی گفته‌اند بهتر بود فیلم در صحنه بهت و ویرانی توحید به اتمام می‌رسید و از کش دادن داستان خودداری می‌کرد اما به یک نکته توجه نداشتند. هم این‌که با ادامه پیدا کردن داستان، انهم وارده به رها برطرف شد. شخصیت سهیل

با گرهی که به وجود آمد، عمق پیدا کرد. زیرا از انفعال مادرانه خارج شد و به کمک توحید آمد و توحید نیز نشان داد پدر منفعل هم که باشد پدر است باتمام فراز و نشیب هایی که برای هر کدام از ما امکان پذیر است.

این که توحید پدر قوی و دلخواه مخاطب نیست مسأله ای است و رای اصل سینما، داستان و حتی

در صحنه‌ای دیگر برای تأمین میوه و شیرینی به قبرستان رفته، و در صحنه‌هایی پلک زدن، تکلیم به مشکل می خورد همگی ناشی هستند برای خلق پدری با شخصیتی منفعل اما پیچیده، کسی که به زعم نگارنده، در جنگ با زمانه زمین خورده اما سرسختانه تلاش دارد یک سری اصول را در کنار خانواده‌اش حفظ کند. درها شاهد شرایطی برای خانواده توحید هستیم که برخی آن را مانند فقر و باریدن بدبختی نامیده‌اند. مثل این می‌ماند که آن عزیزان پیرومن خود را بخردند و تابه حال در زندگی شان با چنین مواردی برخورد نداشته‌اند. برخی دیگر فکر کرده‌اند که بی‌نامنه‌ام اشکال دیالکتیکی دارد. چرا؟ چون خانه توحید شرایط بدی ندارد. چرا؟ چون نوانسته‌اند باخبردی

قسطی لپتاپ بر مشکل فائق آیند. چرا؟ چون پلیس در فیلم کاهل نشان داده شده. در حالی که در داستان به عنوان مبنای روایی فیلم، تازمانی که شخصیت ها و اتفاقات و موقعیت ها باورپذیر باشد نمی توان آن قتل بر فیلم وارد کرد. از دیگر موارد مطرح در فیلم رها، نقش سهیل برادر رهاست سهیل با بازی آرمان میرزایی برادرری است که در اغلب صحنه ها و سکانس ها گوشه تصویر ایستاده و نهایتا دیالوگی گذرا دارد. در نگاه اولیه می توان خرده گرفت که شخصیت سهیل درنیمه های می توانست با بازی بهتر و حتی انتخاب زاویه های مناسب دوربین در همه ثمرنشتن شخصیت کمک شایانی کند. اما معتقدم شخصیت پردازی سهیل با حضور گذرادر سکانس ها سعی در بازی خنثی تا نیمه اولیه فیلم، می توانست هوشمندانه تر باشد. چرا که بازی اصلی این شخصیت در یک چهارم پایانی فیلم است. با توجه به ت

مردی مثل او در کنارش باشد چیست؟ پدر در ذهن همه ما عنصر قدرتمند و پایه‌گذار زندگی است. چه اتفاقی افتاده که توحید در مقابل دخترش اقرار به ضعف می‌کند؟ قصه دلبستگی رها چیست؟ سرنوشت لب‌تاپ و پروژه ناقص رها چه خواهد شد؟ و البته با توجه به زوم دوربین و تاکیدی که بر موهای رها در سکانس ابتدایی شده این موها چه کارکردی در ادامه داستان خواهند داشت؟ با توجه به پیشینه‌ای که از رها حسینی و انتخاب‌هایش در سینما داریم برای مخاطبان سینما همه این سؤالات در همان سکانس ابتدایی پیرنگ رها خواهد بود. آیا اعتمادمان به حسینی در انتخاب «رها» ثمربخش است؟

در یک سوم ابتدایی فیلم، شاهد شخصیت پردازی قوی‌ای برای توحید خواهیم بود. صحنه‌ای که توحید لجبازانه و در «خفا» روی قفسه جلوی مغازه‌ای، که از قضا بعداً متوجه خواهیم شد توحید با صاحب آنجا در پرداخت حق التعمیدش درگیر بوده، خط می‌اندازد. می‌آنجا که توحید بعد از رفتن همسایه، بلافاصله کشش را

را با نفرت به جلوی در پرت می‌کند و یا نحوه نشستن توحید در مقابل دستفروش و چانه‌دزنش همه و همه در حال پردازش شخصیتی است که تلاش دارد به دور از تنش فیزیکی و حضوری، صرف تخلیه روانی کاذب، روزگار بگذرانند. پدري که در صحنه‌ای خوش صحبت است، در صحنه‌ای دیگر سخت‌ترین مسائل معیشتی را به سخره می‌گیرد،



«رها» بابازی شهاب  
حسینی و غزاله شاکری  
اولین اثر بلند سینمایی  
از حسام فرهنگد است  
که اتفاقاً به  
چهل و سومین  
جشنواره فیلم فجر نیز  
راه یافت. این فیلم

معدود  
شنواره با  
ته است.

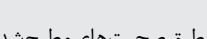
در «رشته شخصیت پیچیدگی کسی که زمانه را ما سرسبز دارد اصولاً خانانه حد

به اطلاع اولیه ای مثل  
مندی به همکلاسی و  
پیگیری پروژه نیز بیان  
کناس ابتدایی تقریبا  
طب داده می شود و قلاب  
می اندازد.  
می که دخترش آرزو می کند

## اکران

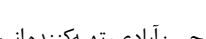
درحالی‌که قرار بود «سینما مترویل» پاییز امسال به سینماها بیاید، سازندگان فیلم در تدارک اکران آن در نوبت دوم بهار سال آینده هستند. حامد حسینی، تهیه‌کننده سینما مترویل درباره زمان اکران این فیلم گفت:

شده قرار است فیلم در نوبت دوم عید به نمایش درآید، ن نوروزی و عید فطر امسال تقریباً با هم یکی باشند، سعیدیان، دبیر شورای صنفی نمایش از احتمال تغییر شدن فیلم های جدید در اکران نوبت عید فطر خبر مدت زمان اکران ماه رمضان برای بررسی میزان فروش هر هفته محاسبه می شود و از آنجا که هشتم اسفند ماه شد، تا زمان عید فطر چهار هفته به پایان می رسد و به هیاله بکف فروش می برسد که در وقت فیلم جابه جابه دهه که چند فیلم جابه جاشوند.»



خير

نسخه نهایی انیمیشن سینمایی «رویا شهر» به نویسندگی و کارگردانی محسن عنایتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن آبادی آماده شد و این اثر به زودی و در اواخر فروردین ماه وارد جرخه اکران سینماها می‌شود.



بنده انیمیشن رویاشهر که پیش از این در چهل و دومین  
 فیلم فجر حضور یافته بود، بیان کرد: با توجه به  
 بحساب رسانه و منتقدان و همچنین تماشاگران در دوره  
 فیلم فجر گرفتیم، بر آن شدیم نسخه جدیدی را آماده  
 کرد؛ طی ۳-۴ ماه هیئتی در این انیمیشن ایجاد کردیم  
 و با حذف پلان هایی به رویاشهر است که می توان گفت  
 به ۲۰ درصد تفاوت دارد. این اثر ۹۰ دقیقه ای با مدیریت  
 زنده در چهار سال ساخته شده است و میرطاهر مظلومی،  
 نویسنده و بهر زنده سال، نگین کینفار، ارشدیر منظم، لایکوسار،  
 لولایی از صداپیشگان آن هستند.

فیلم سینمایی «پیشمرگ» که از ۸ اسفند روی پرده سینماها رفته است از امروز در مناطق فاقد سینما نیز آغاز می‌شود. پیشمرگ فیلمی به کارگردانی علی غفاری،

نویسنده‌ی مابرا اله‌ادیان و  
علی غفاری و تهیه‌کننده‌ی آرش  
زینال‌خیری، محصول سال ۱۴۰۳  
است. این فیلم در چهل‌وسومین  
دوره جشنواره فیلم فجر برنده  
سیمرغ بلورین بهترین فیلم از  
نگاه تماشاگران شده است و در  
۸ اسفندماه روی پرده سینماها  
قرار گرفت.

**قاب**

